

## فروردین سالروز اعدام غلامرضا نیک پی شهردار تهران

### نگاهی به زندگی و محاکمه غلامرضا نیک پی، عامل دربار در شهرداری تهران (بخش اول)

✦ حسین کاوشی

تاریخچه تأسیس شهرداری در ایران

از زمانی که تهران به صورت پایتخت سلسله قاجاریه در آمد افزون بر روشهای سنتی که از دیرباز وجود داشت حاکمان و کلانتران شهر نیز وظایفی بر عهده گرفتند که بخشی از آنها چون نظافت معابر و میاه و جلوگیری از تجاوز و نیرنگ در کسب و تخلفات دیگر در زمره تکالیف کنونی شهرداری ها قرار گرفت. در دوره ناصرالدین شاه نهاد حسبه که ریشه های تاریخی و دینی داشت به گونه ای زنده شد و با عنوان اداره احتسابیه گاه مستقل و زمانی منظم به نظمیته بی آن که وظایف آن دقیقاً روشن و تفکیک یافته از دیگر وظایف شهری باشد موظف به انجام اموری شد که در دوره بعد از مشروطیت نسبتاً سامان بیشتری یافت. البته در پیدایش این نهاد نیز اثرات خارجی خاصه پس از مسافرت های ناصرالدین شاه و مظفر الدین شاه به اروپا مشهود گردیده است. اقامت سفیران و نمایندگان خارجی در تهران آن روزگار دولت را نسبت به برپایی چنین نهادی مصمم تر کرد. در دوره ناصرالدین شاه نخستین وظیفه دار نهاد احتسابیه میرزا محمود خان کاشانی (عمومی فرخ خان امین الدوله غفاری) با لقب احتساب آقاسی و بعد احتساب الملک بود. و پس از وی تا پایان جنبش مشروطیت خاصه پس از توسعه تهران چند تن دیگر نیز به همین لقب مفتخر شدند. (۱)

پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان، به واسطه آشنایی هایی که با اصول تقسیم کار و روند اداره شهر در جوامع غربی داشتند تصمیم گرفتند طبق ضوابط خاصی به ساماندهی اوضاع شهر تهران بپردازند و در راستای آن تصمیم به جای میرزا عباس خان مهندس باشی که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه توسط وی برای اداره تهران تعیین شده و به دلیل دخالت های شاه و اطرافیان عملاً نتوانسته بود کار چندان چشمگیر و قابل اعتنایی انجام دهد کسی را به ریاست شهر منصوب کنند و اجرای امور شهری را به عهده وی بگذارند که مسوولیت های مشخص باشد و آنها را بر اساس اختیاراتی مشخص و از پیش تعیین شده انجام بدهد و همان تفکر مقدمه تاسیس تشکیلاتی با عنوان بلدییه شد. به عبارت بهتر طرح ایجاد سازمان بلدییه پس از استعفای میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به عنوان رئیس نخستین کابینه قانونی و مطابق این خواست مجلس که وزیران باید مسئول و در برابر دولت جوابگو باشند در تاریخ ۲۹ اسفند سال ۱۲۸۵ ق.ه در مجلس اول مطرح شد. هدف اولیه از تاسیس بلدییه حفظ منافع شهرها و برآورده کردن حوایج شهرنشینان مثل اداره کردن اموال منقول و غیر منقول نگهداشت سرمایه های متعلق به شهر ایجاد تسهیلاتی برای دسترسی آسان مردم به مواد غذایی، تمیز نگه داشتن کوچه ها، میدانها و خیابانها و ...

بر اساس مصوبه مجلس محمدخان قاجار دولو ماموریت یافت تا نظامنامه بلدییه را تدوین کند و او جزوه ای در خصوص وظایف بلدییه و مامورانش و همچنین محدوده فعالیت و اختیارات آنها تنظیم کرد که به نظامنامه بلدییه معروف شد و مشتمل بر پنج فصل و ۱۰۸ ماده بود این قانون که ترجمه و اقتباس از قوانین شهرداری های فرانسه و بلژیک بود بعدها پایه و اساس شکل گیری شهرداری در تهران شد. این نظامنامه در بیستم ربیع الثانی سال ۱۳۲۵ قمری به تصویب نمایندگان مجلس رسید و نامگذاری بسیاری از خیابانها و کوچه های شهر و حتی شماره گذاری خانه ها و دکانها را به

دنبال داشت و گفته می شود تامین روشنایی چند خیابان شهر در شب ها و رساندن آب آشامیدنی به خانه ها با گاری های بشکه دار ، نظافت و آب پاشی خیابانها نیز از همان زمان و توسط خود محمد خان قاجار دولو شروع شد.

با روی کار آمدن رضا شاه به عنوان نخست وزیر روند تمرکز گرایی دولت با شدت بیشتری دنبال شد و دولت در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ قانون جدیدی برای تشکیلات بلدیة تصویب کرد. متن آن قانون به منظور رفع مشکلات دولت در زمینه امور شهر تدوین شده و نحوه دریافت عوارض و مالیات ها را برای دولت مشخص و راحت تر کرده بود. در سال ۱۳۰۸ ه.ش چهار شعبه بلدیة به نام بخش در چهار نقطه شهر تشکیل شد و در سال ۱۳۱۵ تعداد بخش ها به هشت رسید.

بعد از جنگ جهانی دوم و عزل رضا شاه و به قدرت رسیدن پسرش محمد رضا فعالیت شهرداری به همان شکل سابق تا سال ۱۳۲۸ ادامه یافت. در سال ۱۳۲۸ به دلیل مشکلاتی که در سطح شهرها به شرم می خورد و از آن جا که مردم نقش چندانی در امور شهری نداشتند دولت تصمیم گرفت انجمن های شهری را مجددا فعال کند. اما چون به تشکیل انجمن های شهری از دیدگاهی قدرت گرایانه و از بالا نگاه می شد و هدف این بود که در تشکیل انجمنهای شهری قدرت دولت هم لحاظ شود قدرت زیادی به انجمن های شهری و شهرداری داده شد و آنها عملا ویژگیهای یک نظام تمرکز گرا را پیدا کردند اما از دهه ۱۳۳۰ به بعد تغییراتی که در شرح وظایف و سیستم اداری شهرداری به وجود آمد این نهاد شهری به شکل و شمایل امروزی خود نزدیکتر شد. (۲)

عزل و نصب های پیاپی شهرداران که از سالهای اولیه بعد از شهریور ۱۳۳۰ شروع شده بود در سال های بعد نیز همچنان ادامه یافت که اسامی این شهرداران به ترتیب عبارتند از:

مصطفی قلی رام، محمد سجادی، سید مهدی عماد السلطنه، فضل الله بهرامی، عباسقلی گلشائیان، غلام حسین ابتهاج، محمود نریمان، مهدی مشایخی، محمد خلعتبری، حسام الدین دولت آبادی، محمد مهران، مهدی نامدار، ارسلان خلعتبری، نصرالله امینی، سید محسن نصر، سرتیپ محمد علی صفاری، نصرت الله منتصر، سرلشکر محمد دولو، موسی مهام، ناصر ذوالفقاری، فتح الله فرود، احمد نفیسی، علی اکبر توانا، ضیاء الدین شادمان، تقی سرلک، منوچهر پیروز، جواد شهرستانی و غلامرضا نیک پی که از جمله شهردارانی است که بیشترین طول دوره ریاست را در شهرداری تا قبل از انقلاب داشته است. وی به مدت هشت سال یعنی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ شهردار بود.

غلامرضا نیک پی فرزند اعزاز الملک که نام کامل وی عزیزالله اعزاز نیک پی و لقب او اعزازالدوله نیز ثبت شده است. اعزاز الملک تحصیل کرده کالج امریکایی تهران و از ملاکین معروف اصفهان بود که مدتی هم ریاست انجمن شهر اصفهان را بر عهده داشت. در اواخر پادشاهی رضاخان حکمران کرمانشاه و در دوران پهلوی دوم (۱۳۳۴) استاندار کرمانشاه بود. در کابینه قوام السلطنه معاون نخست وزیر و وزیر پست و تلگراف بود و در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از اصفهان به مجلس آمد و در سال ۱۳۵۰ که پسرش - غلامرضا - در مصدر امور بود به کمک او به سناتور اصفهان رسید و به مدت چهار سال در آن مجلس حضور داشت. وی همچنین عضو هیئت مدیره شیر و خورشید اصفهان و پنج دوره رئیس این هیئت بود. مدتی هم رئیس رمز و ادارات دارایی، بازپرس دولت در ضرابخانه، بازپرس وزارت دارایی در جنوب نیز بود. (۳)

اعزاز الملك داماد ظل السلطان حاکم اصفهان بود و دختر او - ترکان خانم - را به همسرش داشت و از او صاحب سه فرزند پسر شد که کوچکترین آنان غلامرضا بود. غلامرضا نیک پی در سال ۱۳۰۸ در اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۳۱۲ به دبستان پهلوی اصفهان رفت. (۴) و پس از آنکه پدرش به حکمرانی کرمانشاه منصوب شد سال آخر دوره ابتدایی و سال اول دبیرستان را در مدارس هدایت و شاهپور کرمانشاه سپری کرد و با برچیده شدن حکومت رضا شاه در سال ۱۳۲۰ به اصفهان بازگشت وی ادامه تحصیلات متوسطه را در دبیرستان های ادب، سعدی و صارمیه اصفهان گذراند و همزمان با وزارت پدرش در کابینه قوام در سال ۱۳۲۵ دیپلم گرفت و راهی دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ لیسانس گرفت. در سال ۱۳۲۹ که همزمان با مرگ مادرش بود به انگلیس رفت و ضمن اقامت شش ساله در لندن از دانشگاه آن شهر دکتری اقتصاد در رشته روابط بین الملل گرفت و در شهریور ماه ۱۳۳۵ به کشور بازگشت.

او که به قید فرعه از سربازی معاف شده بود پس از یک دوره کارآموزی در سال ۱۳۳۶ پروانه وکالت پایه یک دادگستری گرفت. و در ۱۸ خرداد همان سال در شرکت ملی نفت ایران استخدام شد. استخدام غلامرضا نیک پی در شرکت ملی نفت که مصادف با حضور امیر عباس هویدا به عنوان معاون اداری آن شرکت بود باعث شد تا هویدا او را که - از منسوبین مادر اش - بود به ریاست دفتر امور اداری منصوب نماید. (۵)

#### عضویت در کانون مترقی

غلامرضا نیک پی در شمار آن دسته از افرادی بود که از دوران جوانی و از زمان تحصیل در خارج از کشور به دام سازمانهای وابسته به بیگانه افتاد و تعالی و آموزش های لازم را در عرصه همکاری با این کانون های استعماری را فرا گرفت. در آن دوره امریکا با هدف استمرار سلطه خود بر ایران به این نتیجه رسیده بود که باید دست به جوان گرایی در ترکیب هیئت حاکمه ایران بزند و به جای رجال پیر و قدیمی - که رسوایی و وابستگی شان اظهر من الشمس شده بود - جوانان تحصیل کرده و تربیت شده در غرب را به میدان بیاورد و بر اساس همین برنامه حسنعلی منصور با حمایت امریکاییها برای دستیابی به مقام نخست وزیری تشکلی به نام کانون مترقی را ایجاد کرده بود. طرح تاسیس کانون مترقی به عنوان یک حزب که جوانان تحصیل کرده غرب را در بر گیرد و به مکتب جدید دولتمردان در ایران تبدیل شود، یک طرح امریکایی در راستای استراتژی توسعه طرح «روستو - کندی» بود.

ارتشید حسین فردوست در خاطراتش در این زمینه می گوید: «در تاسیس کانون مترقی و سپس حزب ایران نوین و علم کردن حسنعلی منصور به عنوان رهبر نخبگان و تحصیل کردگان غرب گرای ایران طرحی بود که توسط شاپور ریپورتر و اسدالله علم و با همدستی گراتیان یاتسویچ - رئیس سیا در ایران - ریخته شد. این کانون توانست در چارچوب اعمال نفوذ ها و القائات لندن و روچیلد ها و عناصر صاحب نظر سیا چون ریچارد هلمز و گراتیان یاتسویچ ذهن کندی و شورای امنیت ملی او را به سمت خود جلب کند و خود را بهترین مجری طرح کندی جلوه گر سازد...» (۶)

غلامرضا نیک پی در مدت زمانی که در شرکت نفت بود در امور قضایی و پس از آن به عنوان متصدی تهیه آمار شرکت نفت به کار گرفته شد. تا این که ریاست اداره کل امور اقتصادی و آمار را برعهده او گذاشتند. شغلی که ارتباط مستقیم با فعالیت های حسنعلی منصور - که ریاست شورای عالی اقتصاد را بر عهده داشت - پیدا می کرد. ارتباط امیر عباس هویدا با حسنعلی منصور و همزمانی تقریبی تحصیل نیک پی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی با

تحصیل حسنعلی منصور در همان دانشکده و داشتن نقاط مشترک باعث شد تا غلامرضا نیک پی از اعضای اصلی کانون مترقی شود.

ساواک در این باره می نویسد: «از دوستان قدیمی حسنعلی منصور بوده دوستی آنها از پاریس شروع شد. اهل عیش و طرب است علت آشنایی او با منصور مانند هویدا از مجالس تفریح و عیش و عشرت شروع شد و همین آشنایی در زمان نخست وزیری منصور او را به سمت معاون نخست وزیر رسانید». (۷)

زمانی که حسنعلی منصور از گروه کانون مترقی به مقام نخست وزیری دست یافت بالطبع غلامرضا نیک پی نیز در مدار توجه بیشتر قرار گرفت و در سال ۱۳۴۳ با عنوان معاون نخست وزیر به عضویت هیئت دولت درآمد. (۸)

غلامرضا نیک پی که با تبدیل کانون مترقی به حزب ایران نوین به عضویت هیئت اجرایی حزب و به واسطه ارتباط خود به عضویت کانون وکلای دادگستری و انجمن نفت ایران نیز درآمده بود و با نشریاتی چون روزنامه اطلاعات - بورس تهران و اکونومیست و برخی نشریات انگلیسی زبان نیز همکاری می کرد از جمله افرادی بود که به طور تمام و کمال در اختیار برنامه های حسنعلی منصور قرار گرفت. (۹)

فعالیت در کابینه هویدا

وقتی حسنعلی منصور کشته شد شاه ، امیر عباس هویدا وزیر دارائی کابینه او را مامور تشکیل دولت جدید نمود و نخستین کابینه این فرد در ۱۱ بهمن ۱۳۴۲ معرفی گردید (۱۰) هویدا نیز غلامرضا نیک پی را بار دیگر در شمار دولتمردان قرار داد و پشت معاونت نخست وزیری را به وی واگذار کرد. هویدا در نامه ای به تاریخ ۲۹/۱۰/۴۳ خطاب به نیک پی می نویسد: «دوست بسیار عزیزم جناب آقای دکتر غلامرضا نیک پی معاون نخست وزیر، من هیچ گاه صمیمیت و همبستگی آن دوست و همکار خود را فراموش نیم کنم و از این که در کنار هم به خدمت شاهنشاه معظم و ملت عزیز ایران همکاری داشته ایم به خود می بالم... ارادتمند امیر عباس هویدا» (۱۱)

همین ارتقا مقام بود که باعث شایعه جایگزینی وی به جای دکتر منوچهر گودرزی به عنوان وزیر مشاور و دبیر کل شورای اداری کشور شد. عباس شاهنده - مدیر مسئول نشریه فرمان - در این باره گفته: «دکتر گودرزی وزیر مشاور و دبیر کل شورای عالی اداری به خارج می رود و به جای او دکتر نیک پی منصوب خواهد شد» هر چند این اتصاب صورت نگرفت ولی غلامرضا نیک پی در دی ماه همان سال به عضویت شورای سازمان ایرانی مجامع بین المللی درآمد و این در حالی بود که در برخی محافل از سابقه خانوادگی و تخلفات پدرش - اعزاز الملک - سخن در میان بود.

یکی از گزارشات مربوط به اظهارات فردی به نام علی اکبر فرزدقی - کارمند بازنشسته شهرداری است که ضمن انتقاد از بهایی بودن نخست وزیر و برخی از اعضای کابینه وی درباره نیک پی می گوید: «من در کابینه آقای هویدا عضو را سراغ دارم که پدرش به خاطر کلاشی و به دست آوردن پول چند زن اختیار نمود و پس از تصاحب ثروت آنان مجدداً مطلقه شان کرد و حالا پسر چنین شخصی وزیر یا معاون نخست وزیر می باشد» (۱۲)

عملکرد و همراهی و همفکری نیک پی موجب شد تا هویدا در همان سال ۱۳۴۵ او را به عنوان نماینده مخصوص برای نظارت در اجرای اموری که باید قبل از برگزاری جشن تاجگذاری شاه و جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بوسیله وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی انجام پذیرد معرفی کند. (۱۳)

نیک پی پله های پیشرفت و ترقی را با کمک هویدا به سرعت طی می کرد به طوری که در شهریور سال ۱۳۴۷ علاوه بر این پست ها از سوی هویدا به مقام وزرات آبادانی و مسکن منصوب شد. هویدا در حدود سالهای ۴۷ و ۴۸ دست به ترمیم کابینه خود زد و برخی از وزیران را تغییر داد همین تغییر و تحول سبب شد تا اداره کل سوم ساواک از ساواک تهران تقاضای مشخصات بیشتری از نیک پی بنماید. پاسخ ساواک تهران این گونه بود: «با اغلب رجال و شخصیتها دوستی و معاشرت دارد فردی مودب و لایق و صحیح العمل مبتکر ، کاردان و فعال ، زیرک و با هوش است از خانواده های سرشناس اصفهان است و وضع مالی خیلی خوب دارد. پس از این بررسی های ابتدایی بود غلامرضا نیک پی به عنوان وزیر آبادانی و مسکن از محمد رضا پهلوی فرمان گرفت و نعمت الله نصیری این انتصاب را به او تبریک گفت و او هم با عبارت دوست خیلی عزیزم برای رئیس ساواک آرزوی موفقیت کرد و خود را از ارادتمندان او قلمداد کرد. هنوز سه ماه از این انتصاب نگذشته بود که به ساواک کرمانشاه ابلاغ گردید که قرار است وزیر آبادانی و مسکن بدون اطلاع سازمانهای دولتی به آن استان مسافرت نماید در همین رابطه دستور داده شد که: «دستور فرماید به وسیله اتومبیل در فرودگاه از مشارالیه استقبال و چنان چه قصد مسافرت به سنندج را داشتند مراتب را به موقع به ساواک کردستان اطلاع دهند». در این زمان که دولت هویدا به ثبات خود نزدیک می شد به تدریج گزارشاتی بر علیه او و وزرای کابینه اش به ساواک رسید از جمله این گزارشات ، گزارشی بود که ساواک در سال ۱۳۴۸ پیرامون وضع دیوان سالاری کشور ارائه داد: «پارتی بازی و به اصطلاح دوست بازی و قوم و خویشبازی در دستگاههای دولتی به وسیله دوستان و همکلاسی ها و همکارهای سابق و قوم خویش ها اشغال شده است... دکتر نیک پی وزیر آبادانی و مسکن حتی ماشین نویس خود را از شرکت نفت به نخست وزیری و از نخست وزیری به وزارت مسکن برده است...» (۱۴)

پس از این گزارش خبری تحت عنوان اختلاف در هیئت دولت به ساواک رسید که در آن دو دستگی اعضای کابینه و وابستگی برخی از آنان به سازمان سیا و عده ای دیگر به فراماسونری بحث شد و نیک پی از افراد عضو فرقه فراماسونری که در تقویت دولت هویدا تلاش داشتند معرفی گردیده بود. در حالی که در خرداد ماه سال ۱۳۴۸ شایعه ترمیم کابینه و تصدی وزارت اقتصاد توسط نیک پی در بین اعضای عالی رتبه وزارت امور خارجه مطرح بود در جای دیگر از کارشکنی ایادی هوشنگ نهاوندی در وزارت آبادانی و مسکن و طولانی کردن زمان تعیین تکلیف اراضی عباس آباد برای بدبین کردن مردم نسبت به نیک پی سخن گفته می شد. همه این حرف ها در حالی بیان می شد که ناگهان در ترمیم کابینه ، عطاء الله خسروانی که پس از حسنعلی منصور دبیر کل حزب ایران نوین شده بود و تصدی وزارت کار و سپس وزارت کشور را بر عهده داشت به همراه غلامرضا نیک از کار بر کنار شدند. (۱۵)

**ادامه دارد . . .**

**پی نوشتها:**

۱- ناصر تکمیل همایون، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی ، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۲

۲- محمد رضا حسن بیگی، ۱۰۰ سال شهرداری، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۸۶، ص ۱۵-۱۰

۳- روزنامه رستاخیز، ۵۶/۵/۹

۴- چهره های آشنا، تهران: انتشارات کیهان، ص ۶۴۰

۵- رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک غلامرضا نیک پی، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵، ص ۱۰

۶- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی [حسین فردوست] تهران: اطلاعات، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۸-۲۵۷

۷- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۱۰

۸- روزنامه کیهان ۱۳۸۵/۱/۴۳

۹- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۱۱-۱۲

۱۰- ناصر نجمی، بازیگران عصر رضا شاهی و محمد رضا شاهی، تهران: انیشتن، ۱۳۷۳، ص ۴۲۳

۱۱- نیمه پنهان سیمای کارگزاران فرهنگ و سیاست، عوامل دربار در محکمه انقلاب، ج ۲۰، تهران: دفتر پژوهشهای موسسه کیهان، ۱۳۸۷، ص ۵۶.

۱۲- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۱۲

۱۳- نیمه پنهان سیمای کارگزاران....، پیشین، ص ۵۶

۱۴- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی....، پیشین، ص ۳۸۰

۱۵- رجال عصر پهلوی به....، پیشین، ص ۱۶